

۱۹۸۸-۱۹۹۱

۱۵۳ قلم ۴۸

۱۲ بهمن ۶۹ 91 Feb 1

۲۵۰

حضرت دختر خاله و پسر بسیار عزیزم خانم ^۱ و آقا سلام عرض میکنم

فدایت کنم. ان شاء الله که حال شما و جناب آقای بدیع و فرزندان عزیز در کمال صحت و سلامتی بوده باشد

باری چنانچه از شما دانستم که او را تقریباً یک هفته قبل و همی را ۳ قبل به ستم رسیده و از مضمون آن مطلع

شدم اولاً در لذت مادر عزیزم را که نسبت فرموده بود در بسیار بسیار گدارم و در شأنه تا شهادت

روحی که در ارتقاء آن مادرم بمن است داده بود تا صد تا غیرا ستم بخورم بقول اللهم در هر روز وضع روحم

را خرابتر کنید. شما خودتان در گذشته شاهد این بودید که من محقر با مردم عداقت مند بودم و همی آنی از

او نمیکشتم جدا بگویم و این عداقت خودش باعث این موهبی فراتر از ناراحتی و گریه در من شده بود از

طرف دیگر که در زمان مرقوم نبود این (که من هم مانند شما در وجود ناراحتی مادرتان با در خودم را از دست داده ام) بلکه همین است و شما هم باور فرمایید در این دوران صحنه ای که در روز اولی

بوده اغلب چه در منزل یا چه در مجالس ذکر و معرفت و تحصیلات عالی کمال مصلوح و بزرگوار
که همه و همه در وجود یک انسان شریف مانند ما بیسایه جمع بوده و بیاز بقول ما درم و خودم قوتست
که جملگی برایشم خدا میداند که ما درم با چه زبان و بیان در مورد شما صحبت میکردیم از اشعار شما که
یکه کتابی که گویا میخواند و اولین طبع ما بود با چه عذایتمندی به گمان گرفتار و میگردید و سلفه
ازین اشعار از خواهرزاده من بیسایه و در این مورد شما صحبت میکردیم و اغلب اشعار شما نیز
میگردیدند و اقرب میگردیدند و غیر خاله غیرتم باور لغز میید که ما چنین مورد عداوت خانوادگی من و من
بوده و نخواهد بود من کافتم و فاسد بودی ما را نگهداری میکنیم و از آنجا واقعا لذت میبرم و بی افوس
و بهر آن افوس که در آن گرفتار است و باقی سالین گذراند در جوار بیکر میگردید و از فضایل
اختلافی و مغزنی و از ادب و فرهنگ غنی این مملکت استفاده میکردم شما روزنامه تان
مقوم نموده بودید که همه پس انگلیس رفته بودند و در جمع میستان ایران اینها یک مجلس میخواند
لا اله الا الله و الهی و انیسین و دالاس و من آنوقت هم رفته ام چقدر خوشحال بودم

که این قسمت از دنیای جدید قدم گذاشته و با ایرانیان انجام از نزدیک مشاهده کرده ایم باز مردم
نموده که در کتاب بناهای (البرزی) گفت و ای با در نظر (یعنی هر چه از معانی ترا برام
از لندن فرستاده این کتابخانه هنوز به دست نرسیده است و اما موضوع دیگر که علاقمند هستید در زادگاهها
یکه از جدید بناهای کجاست باید که به این نبره محول نموده البته با کمال میل حاضر ام ولی دفتر خانه محترم
فکر میکنم یکی نامه تان در برسد چون قصد فرستادن به کشور کانادا و امر کار دارم که خانواده ام
در انگلستان بکنند مخصوصا در وکتور کانادا تا به به و دستم فرستاده و در ۲۰ بیاتل امریکایم عیدضا
رودن میکند منم برای مدت ۲۱۲ ماه مردم انجام در گرفتن است که هر چه زودتر اقدام بکند
بر کلام از کتابهای شما را بخوانم نمود در ضمن شماره تلفن مندرج شده بود به این قرار است
۳۱۳۹۵ و ۳۵۱۱۷ که البته با این طوری تلفن بفرستید که بعضی نظریات که در منزل
چون در منزل ما فقط یک کلفت است دفتر خانه محترم در منزل شهراب خانرا در ۱۰۰
بنا مشغول بود و کفتم شما هم نامه از حضورش گرفتم است و نفس منم از طرف خودش و خانواده

بسیار باشد و احوال پریشانی که نموده گفته باشد که بلام فرستادیم پس خانه جان طریقی فایده آورده اند
با ایدان و هنوز بهیچ نرسیده که جواب به هم خلاصه اند دفتر خانه جان که حقیقت را این برادران
بزرگوار در ای بیجای از خدمت بی نظیری بسیار واقعا که ای کاش عزیز و لایزال جانم حقیقت را
همیشه مورد لطف و عنایت خودشان قرار میدهند در درکیت ما درم واقعا آن وقت رحمت را این
و خاندانم تمام کرده و از این بیت بدون الطاف و مراعیم این هستیم خوب نامه ام
بلازا کنید امیدوارم بر این باشد که قول من گزین شده و احقرات مرا مؤثر است حجاب اقا

بدیع و اقای بزرگ و مهر دار عزیزم بسیار است و احوال پریشانی فریاد در اینها هم خانه جانها
بیکدیگر ایشان و همچنین برادرانم و خاندانهاشان عرض سلام خدمت شما و حجاب اقای بدیع و نورچینان
بسیار است و احوال پریشانی میکند من لطف شما را بیک یک از این ابداع کردم در خانه سلامتی شما و خاندان
شمار از خداوند تعالی خواستارم و بیانتا که کیمیای حقیقت بر سر کار